



نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۶۰

2087

87/10/30

نکوداشت چهاردهمین سالگرد درگذشت

شادروان مهندس مهدی بازرگان

سی دی ماه امسال مصادف خواهد بود با چهاردهمین سالگرد درگذشت مرحوم مهندس بازرگان، بزرگمردی که تاریخ معاصر ایران از داشتن فرزانه‌ای همچون او به خود می‌بالد، فرهیخته‌ای که در هر عرصه‌ای که پا بدان نهاد، نامی نیک و ماندگار از خود به جای گذاشت و انسانی که الگویی کامل از مسلمان عصر حاضر را برای اخلافتش به‌یادگار نهاد.

به طور کلی، مبانی شخصیتی و میزان اثرگذاری هر کس بر محیط پیرامون او در طول عمرش را می‌توان در سه حوزه تعریف کرد و کارنامه او را در آن سه حوزه مورد بررسی قرار داد: **شخصیت فردی**، **مبانی اندیشه و نقش اجتماعی**. هر یک از این سه حوزه را باید به طور مستقل و بدون تاثیرپذیری از دو حوزه دیگر واکاوی کرد، چرا که در طول تاریخ این سرزمین کم نبوده‌اند کسانی که تنها در یکی از این حوزه‌ها، مانند حوزه اندیشه، دارای مرتبت و مقام بوده، اما در حوزه عمل اجتماعی چندان فعال و اثرگذار نبوده‌اند. یا به عکس، کسانی را می‌توان نام برد که در تحولات اجتماعی نقشی بسزا داشته، اما از زمره صاحبان اندیشه و اثرگذار در جریان‌های فکری اجتماع به شمار نمی‌رفته‌اند. همچنین، کسانی که در یکی از دو حوزه اندیشه یا عمل اجتماعی موثر و شاخص بوده‌اند یا هستند، لزوماً الگوهای شخصیتی مناسبی نیستند و نمی‌توان توقع داشت که چنین کسانی الزاماً از جنبه شخصیت فردی نیز دارای چنان صفات برجسته‌ای باشند که بتوان از آنان به عنوان الگوهای رفتاری نام برد. در هر حال، هنگامی که شخصیتی تاریخی را (چه هنوز زنده بوده یا در گذشته باشد) مورد تحلیل قرار می‌دهیم، برای آنکه به خطا نرفته، جانب انصاف را رعایت کنیم، بهتر آن خواهد بود که این سه عرصه را از یکدیگر جدا کرده، در هر عرصه‌ای فارغ از عرصه‌های دیگر به داوری در مورد آن شخصیت بپردازیم.

با این مقدمه، می‌توان مرحوم مهندس بازرگان را در هر سه حوزه مورد بررسی قرار داد.

شخصیت فردی مهندس بازرگان

همه کسانی که با مرحوم بازرگان از نزدیک آشنا بوده‌اند و نیز مردمی که در طول سال‌های پیش و پس از انقلاب، تا هنگام مرگ آن بزرگمرد، از راه‌های گوناگون با او ارتباط داشتند، بر وجود خصوصیات فردی بارزی همچون جامعیت و اعتدال، اخلاص و ایثار، بزرگواری و فروتنی، گذشت و مهربانی، انصاف و انتقادپذیری، روحیه همکاری و کارجمعی، اعتماد به نفس، اعتقاد دینی قوی، پرکاری، تولید و سازندگی، نظم و انضباط و شیرینی سخن و طنزگویی او صحنه می‌گذارند. جمع شدن این خصوصیات در یک شخص از او الگویی فردی می‌سازد، می‌تواند که برای همگان و برای سالیان بسیار چراغ راه و نشانی از انسان کامل باشد.

اندیشه مهندس بازرگان

اندیشه مرحوم بازرگان را می‌توان در دو بخش مورد بررسی قرار داد: اندیشه دینی و اندیشه سیاسی.

اندیشه دینی: بازرگان را می‌توان جزء معدود کسانی برشمرد که پیشگام طرح نگرش علمی به مفاهیم، مبانی و احکام دین اسلام، آشتی دادن دین و علوم جدید و زدودن خرافات از دامان شرع مقدس اسلام بوده‌اند. بازرگان به درستی پدر جنبش روشنفکری ایران محسوب می‌شود. او را شاید بتوان اثرگذارترین کسی دانست که دین را وارد جامعه دانشگاهی ایران کرد. اهمیت کار بازرگان از این رو است که او در زمانی به آشتی دین و علوم جدید و معرفی دین راستین در محیط دانشگاه‌ها دست زد که فضای حاکم بر دانشگاه‌ها دین را جز مشتی خرافه معرفی نمی‌کرد و ایدئولوژی برتر در محیط‌های علمی ایدئولوژی مارکسیسم بود. در چنان فضایی، مرحوم بازرگان، با کمک کردن به پایه‌گذاری نخستین انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه تهران، به معرفی دین اسلام به زبان علمی روز پرداخت. اما، این برای بازرگان تنها آغاز راه بود و او تا پایان عمر از تلاش و تکاپوی فکری در حوزه اندیشه دینی بازنیستاد. وی با نگارش کتابهایی همچون *مذهب در اروپا* (1321)، *مطهرات در اسلام* (1322)، *پراگماتیسم در اسلام* (1328) و *کار در اسلام* (1325) در سالهای دهه بیست، پروژه‌اش را آغاز کرد و نه‌تنها آن را با نگارش کتابهایی مانند *بعثت و ایدئولوژی* (1343) و *سیر تحول قرآن* (1344) ادامه داد بلکه تا پایان عمر پربرکتش این تلاش فکری را استمرار بخشید، به گونه‌ای که وقتی در سال 1372 آخرین کتابش را در حوزه اندیشه دینی، به نام "*آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء*" را نگاشت، بیش از صد کتاب، مقاله و متن سخنرانی در این حوزه از خود به یادگار گذاشته بود که هر یک از آنها هنوز برای اهل تحقیق قابل تعمق و ارزش است و در آینده نیز خواهد بود.

اندیشه سیاسی: به جرات می‌توان بازرگان را پدر اندیشه اصلاحات و پدیدآور و مبلّغ اعتدال در حوزه سیاست در سالهای پیش و پس از انقلاب نامید. او هیچگاه دچار افراط در عمل سیاسی نشد و هرگز اجازه نداد که جو عمومی جامعه او را دچار انحراف سازد. چه آن زمان که مردم او را چریک پیر

ایران نامیدند، بر موج حمایت عمومی سوار نشد و اجازه نداد تا جریان‌های تند و افراطی صدر انقلاب او را بدنبال خود روان سازند و چه آنگاه که به دلیل مخالفت با کارهایی همچون تسخیر سفارت امریکا یا مخالفت با ادامه جنگ، پس از فتح خرم‌شهر، مورد خشم حاکمان وقت و، به تبع آنها، مورد اعتراض جمعی از مردم قرار گرفت و با او نه آنچنان که شایسته‌اش بود رفتار کردند، تردیدی در درستی نظرش نکرد و نگذاشت که مصلحت‌اندیشی او را از مسیرش منحرف سازد. بازرگان چه در دوران پیش از انقلاب و در برابر حکومت پهلوی، چه در هنگام نخست‌وزیری و به عنوان یک دولتمرد و چه در هنگام برکنار بودن از قدرت و قرار گرفتن در جایگاه مخالف قانونی حکومت، هیچگاه از دایره اعتدال بیرون نرفت و به افراط و تفریط دچار نشد. به همین سبب است که می‌توان او را پدر فکری جنبش اصلاحات در حوزه سیاست نامید، جنبشی که افراط‌گرایی را مخالف منافع ملی و مصالح جامعه می‌داند و اعتدال در رفتار سیاسی را شعار خود ساخته است.

نقش اجتماعی مهندس بازرگان

عمر طولانی و پربرکت مرحوم بازرگان به او امکان داد که در بسیاری از تحولات اجتماعی ایران نقش‌آفرین باشد. استادی و سپس ریاست دانشکده فنی دانشگاه تهران، مدیریت خلعید از شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس، مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران در دولت مرحوم دکتر مصدق، مدیریت سازمان آب تهران، تشکیل نهضت مقاومت ملی در سالهای پس از کودتای 28 مرداد 1332، همکاری در تاسیس جبهه ملی دوم در سال 1339 و تاسیس نهضت آزادی ایران در سال 1340، تحمل زندان و تبعید و محاکمه در بیدادگاه‌های نظامی، مدافعات تاریخی و ماندگار، مشارکت در تأسیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، عضویت در شورای انقلاب، تشکیل نخستین دولت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی مردم تهران در نخستین مجلس شورای اسلامی، مشارکت در تاسیس "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت" و ادامه رهبری نهضت آزادی ایران - به عنوان حزبی با مشی اعتدال سیاسی و جدی‌ترین مخالف قانونی حکومت در سالهای آغازین پس از پیروزی انقلاب - تا پایان عمر از بازرگان چهره‌ای ساخته است که نامش با تاریخ معاصر این سرزمین عزیز گره خورده و از حضور مستمر، موثر و مثبت او در تحولات اجتماعی ایران معاصر حکایت دارد.

بازرگان نشان داد که می‌توان در عین نام‌آوری در عرصه علم، در حوزه اندیشه نیز صاحب‌نام بود و در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم سرآمد شد و، از همه اینها مهم‌تر، یک انسان والا بود و اجازه نداد که شراب قدرت، هیاهوی جماعت و عتاب حکومت لحظه‌ای او را از راه راست منحرف سازد و تخم تردید در دلش بکارد. او الگویی تمام عیار بود که اگر حاکمان کنونی انصاف پیشه سازند و اجازه دهند که نسل جوان این مرزوبوم او را آنچنان که بود بشناسند، بی‌تردید عنصر دین در فردای جامعه ما جایگاهی به مراتب بهتر از مرتبت امروز خواهد داشت. روانش شاد و راهش پررهرو باد.

نهضت آزادی ایران